

## بررسی الگوهای ساختواژی ترکیب در خسرو و شیرین نظامی<sup>۱</sup>

سعیده علی نوری<sup>۱</sup>، سیما کیایی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان شناسی، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری زبان شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، تهران، ایران

### چکیده

هدف پژوهش حاضر پی بردن به چگونگی ترکیب‌سازی‌های نظامی به لحاظ الگوهای ساختواژی آنها با تکیه بر بسامد نوع واژه‌های مرکب است. در این راستا با لحاظ کردن چارچوب نظری بائر<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) و با ارائه و تحلیل و تجزیه واژه‌های مرکب استخراج‌شده از پیکره زبانی پژوهش و تقسیم‌بندی این واژه‌ها در انواع الگوهای ساختواژی ترکیب براساس مقوله دستوری اجزاء سازنده، این یافته‌ها بدست آمد که در بین الگوهای ترکیب، الگوی « اسم+ستاک فعلی ( حال ) » دارای بالاترین بسامد نوع، پُر بسامدترین و زیاترین الگو و در مقابل الگوهای ترکیب « ضمیر + ستاک فعلی ( گذشته ) »، « ستاک فعلی ( گذشته ) + ستاک فعلی ( حال ) »، « ضمیر + صفت »، « عدد + ضمیر »، « عدد + ستاک فعلی ( حال ) » و « عدد + صفت » به طور یکسان به عنوان کم بسامدترین الگوهای ساختواژی ترکیب در ساخت واژه‌های مرکب پیکره به کار برده شده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که یکی از ویژگی‌های واژه‌سازی نظامی، به کارگیری قواعد دستوری زبان فارسی در ترکیب‌سازی‌های او، همچنین ابداع ترکیب‌های نو و بدیع است که تصور می‌شود ناشی از سبک نظامی باشد.

واژه‌های کلیدی: الگوی ساختواژی، ترکیب، بسامد نوع.

<sup>۱</sup> داوری و گزینش توسط کنگره بین المللی زبان و ادبیات مشهد

Laurie Bauer-<sup>2</sup>

## ۱- مقدمه

مطالعات و بررسی‌های ساختواژی<sup>۳</sup> زبان و ادب فارسی از اهمیت بسیاری برخوردار است. از این رو تحلیل و بررسی‌های آثار مهم دوران‌های مختلف زبان فارسی و پی بردن به مسیر تحولات این زبان به لحاظ ساختواژی و بویژه واژه‌سازی<sup>۴</sup> جهت یافتن دلایل پویایی و گسترش برخی ساز و کارهای واژه‌سازی و کنار ماندن و توقف برخی دیگر از آنها در هر دوران، ما را در توانمند ساختن و پویا کردن هرچه بیشتر دستگاه ساختواژی هدایت می‌کند. ساختواژه یا صرف یکی از زیر شاخه‌های زبان‌شناسی است که به مطالعه و بررسی ساختار درونی صورت‌های واژه<sup>۵</sup> می‌پردازد. ساختواژه می‌تواند به دو شاخه اصلی تقسیم شود: صرف تصریفی<sup>۶</sup> و واژه‌سازی. صرف تصریفی به صورت‌های متنوع واژه‌ها می‌پردازد؛ در حالیکه واژه‌سازی، به ساخت واژه‌های<sup>۷</sup> (word) جدید از پایه‌های موجود می‌پردازد (بائر، ۱۹۸۳: ۱۳-۱۴-۲۳). واژه‌سازی به دو زیر مجموعه عمده اشتقاق<sup>۸</sup> و ترکیب<sup>۹</sup> طبقه‌بندی می‌شود. فرایند ترکیب، نقش فعالی در واژه‌سازی دارد و جزء ساز و کارهای واژه‌سازی زایا<sup>۱۰</sup> و پر بسامد<sup>۱۱</sup> زبان‌های مختلف، بویژه زبان فارسی، محسوب می‌شود (شقایق، ۱۳۸۷: ۹۲-۹۳). همه زبان‌ها این توانایی را دارند که برای مفاهیم جدید، واژه‌های تازه بسازند و همه زبان‌ها امکان لازم را در اختیار دارند تا در صورت لزوم و نیاز واژه‌های جدید بسازند (حق شناس، ۱۳۷۶: ۱۸۹). "مهمترین ابزارهایی که زبانها برای واژه‌سازی در اختیار دارند، ترکیب و اشتقاق است" (سمیعی، ۱۳۸۰: ۱۳). برخی زبانها از این دو روش سود می‌برند و بعضی تنها یکی از آنها را به کار می‌برند، فارسی از جمله زبانهایی است که از هر دو روش به طور زایا سود می‌جوید. ضرورت پرداختن به واژه‌سازی در روزگار ما، بیش از گذشته است. زیرا در دنیای امروز، که پیشرفت علوم و فنون گوناگون بشری شتابی روز افزون دارد و گسترش روابط فرهنگی بین جوامع و ملل مستمر و گریز-ناپذیر است؛ زبان نقشی تعیین کننده و بسیار حساس دارد. اکنون که قرض‌گیری، یکی از عمده ترین فرایندهای واژه‌سازی در جامعه ما و به عبارتی زبان فارسی محسوب می‌شود و به دلیل عوامل مختلف از جمله کاربرد ساده‌تر و اقتصادی‌تر واژه‌های حاضر و آماده نسبت به نام گذاری مجدد و واژه‌سازی برای آنها، واژه‌های قرضی و بیگانه کاربرد عام می‌یابند. حال آنکه وام-گیری و استفاده از واژه‌های بیگانه در ابعاد گسترده از دو سو، به زبان لطمه وارد می‌کند. اول اینکه بار حافظه سخن گوینان را سنگین می‌کند؛ و دیگر اینکه بسیاری از فرایندهای واژه‌سازی را بی‌استفاده می‌کند و دستگاه ساختواژی، پویایی خود را از دست می‌دهد. از این رو تجزیه و تحلیل فرایندهای پویا و زایای واژه‌سازی در ادب فارسی، همچون خسرو و شیرین نظامی، گنجینه‌ای پر بها محسوب می‌شوند که راه حل‌ها و روش‌های کاربردی و مفید جهت آشنایی هرچه بیشتر با دستگاه ساختواژی و الگوها و فرایندهای مناسب و کارای زبان فارسی را به دست می‌دهد تا با در نظر گرفتن این الگوها و فرایندهای واژه‌سازی و انطباق آنها با شرایط فعلی زبان فارسی، بتوانیم به واژه‌سازی و نیز احیاء برخی واژه‌های مطلوب و پذیرفتنی به لحاظ آوایی و معنایی و ساختواژی بپردازیم. مقاله حاضر جهت نیل به پاسخ پرسش مطرح و نیز بررسی فرایند ترکیب در خسرو و شیرین نظامی، در ۶ بخش تنظیم شده است: مقدمه، ترکیب، مروری بر مطالعات پیشین، روش کار، یافته‌ها و تجزیه و تحلیل و نتیجه-گیری.

<sup>3</sup> -morphological

<sup>4</sup> -word formation

<sup>5</sup> -word forms

<sup>6</sup> -inflectional morphology

<sup>7</sup> -word

<sup>8</sup> -derivation

<sup>9</sup> -compound

<sup>10</sup> -productive

<sup>11</sup> -frequency

## ۲- ترکیب

عمده ترین فرایندهای واژه ساز در زبان انگلیسی، دو فرایند ترکیب و اشتقاق هستند. اکثر واژه‌های غیربسیط و خصوصاً نو واژه ها از رهگذر این دو فرایند به ویژه فرایند ترکیب ساخته می‌شوند (هسپل مت<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۰: ۱۳۸، آرونوف وفادمن<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۰: ۱۱۱-۱۱۲). طبق تعریف کاتامبا<sup>۱۴</sup> (۱۹۹۳) واژه مرکب واژه‌ای است که حداقل از دو پایه، دو واژه یا دو ریشه تشکیل شده باشد (ص ۵۴). بائر (۱۹۸۳) در نگاهی جامع تر، واژه مرکب را واژه ای می‌داند که از ترکیب دو یا چند عنصر که خود این عناصر به تنهایی و بالقوه ستاک<sup>۱۵</sup> هستند ساخته شده است (ص ۲۸). بنابراین در هر واژه مرکب می‌بایست دست کم دو ریشه<sup>۱۶</sup> موجود باشد. به اعتقاد کاوچیچ<sup>۱۷</sup>، ترکیب فرایندی است که شامل پیوند واژه‌های کوچکتر (اسم، صفت، فعل، حرف اضافه) برای ساخت واژه‌های بزرگتر است و می‌تواند به وسعت و فراوانی زبانها، متفاوت باشد (کاوچیچ، ۲۰۰۴: ۲). تقریباً برای تمامی افرادی که در زمینه ساخت واژه و به ویژه ترکیب مطالعه و کار کرده‌اند، در مواجهه با برخی واژه‌ها، این سؤال پیش آمده که آیا این یک واژه مرکب است یا یک گروه نحوی؟! توان گفت که تشخیص واژه مرکب از گروه‌های نحوی، گاهی دشوار به نظر می‌رسد و می‌بایست به کمک و با دانستن ملاک‌های برای تمیز و تشخیص این دو، دست به قضاوتی مستند و صحیح زده شود. ملاک‌های تشخیص واژه مرکب از گروه نحوی عبارتند از: معیارها و ملاک‌های واجی<sup>۱۸</sup>، ساختوازی، نحوی<sup>۱۹</sup> و معنایی<sup>۲۰</sup> (هسپل مت، ۲۰۱۰: ۱۹۰-۱۹۵). قابل توجه‌ترین معیار واجی تکیه<sup>۲۱</sup> واژه است. در زبان انگلیسی هر واژه‌ای یک تکیه اصلی دارد و در واژه‌های مرکب این تکیه، بر روی بخش اول واژه قرار می‌گیرد. مانند: «black bird» و یا «gold fish» (هسپل مت، ۲۰۱۰: ۱۹۲؛ کاتامبا، ۱۹۹۳: ۲۹۴؛ میتوز<sup>۲۲</sup>، ۱۹۹۱: ۹۷؛ آرونوف، ۲۰۱۰: ۳۶؛ بائر، ۱۹۸۳: ۱۰۲). در زبان فارسی نیز، واژه مرکب مانند واژه بسیط فقط یک تکیه اصلی می‌گیرد و آن روی هجای<sup>۲۳</sup> آخر کلمه مرکب است. برای ساخت واژه مرکب، محدودیت واژگانی وجود دارد و با تمام پایه‌های بالقوه، واژه ساخته نمی‌شود. در حالیکه برای ساخت گروه نحوی، هیچ محدودیتی وجود ندارد و می‌توان گروه‌های نحوی فراوانی ساخت. به اعتقاد هسپل مت (۲۰۱۰: ۱۹۳) کل واژه مرکب به عنوان یک واژه در نظر گرفته می‌شود و عنصر یا سازه غیر هسته‌ای آن نمی‌تواند صرف شود. به عنوان مثال، در انگلیسی، واژه «Sister – in – law» وقتی به صورت جمع به کار برده می‌شود، به صورت «Sister – in – laws» در آورده می‌شود. یعنی پسوند جمع به کل واژه متصل شده است و بنابراین فقط می‌تواند واژه مرکب باشد. در زبان فارسی نیز به همین صورت است و پسوند جمع «-ها» به کل واژه مرکب متصل می‌شود. مانند «اسب سوارها»، «سنگ ریزه‌ها». به طور کلی، گروه‌های نحوی و واژه‌های مرکب از نظر قابلیت تفکیک پذیری از هم متفاوتند. به این معنا که گروه‌های نحوی، اغلب قابل تفکیک هستند؛ در حالیکه واژه‌های مرکب، اصولاً یکپارچه‌اند و نمی‌توان هیچ کدام از عناصر نحوی یا صرفی را در میان پایه‌ها وارد کرد (هسپل مت، ۲۰۱۰: ۱۹۳؛ کاتامبا، ۱۹۹۳: ۲۹۸-۲۹۹). برای نمونه در زبان فارسی، نمی‌توان واژه‌های مرکب «اسب سوار، شیر زن» را با افزودن واژه‌ای به صورت «اسب قوی سوار»، «شیر گرسنه زن» در آورد. اما گروه نحوی «کتاب زبان شناسی» را می‌توان به صورت «کتاب جدید زبان شناسی» در آورد. بنابراین واژه مرکب از

<sup>12</sup>-Haspelmath.M

<sup>13</sup>-Aronof, M. Fudemann ,K

<sup>14</sup>-Katamba.F

<sup>15</sup>-stem

<sup>16</sup>-root

<sup>17</sup> Kavčič.A

<sup>18</sup>-phonological criterion

<sup>19</sup>-syntactic criterion

<sup>20</sup>-semantic criterion

<sup>21</sup>-stress

<sup>22</sup>- Matthews.P.H

<sup>23</sup>-syllable

نوعی یکپارچگی یا انسجام واجی<sup>۲۴</sup> ساختواژی و نحوی برخوردار است که گروه های نحوی کمتری از آن برخوردارند. یکی دیگر از تفاوت های گروه نحوی با واژه مرکب در این است که سازه وابسته در گروه نحوی خاصیت و شرایط شرح و تفصیل پذیری<sup>۲۵</sup> به این گروه را می دهد؛ در حالیکه سازه وابسته در واژه های مرکب به دلیل اینکه نمی تواند توسط توصیفگرهایی مثل صفت یا قید شرح یا تفصیل شود، این خصوصیت را دارا نیست. برای مثال در زبان انگلیسی واژه مرکب «Crisp bread» ( بیسکوئیت ترد ) در مقابل گروه نحوی «very crisp bread» ( نانی که بسیار برشته شده ) را می توان در نظر گرفت و این خصوصیت را به وضوح در گروه نحوی مشاهده کرد ( هسپل مت ، ۲۰۱۰ : ۱۹۴ ). یکی از ملاک های تشخیص گروه نحوی از واژه مرکب معیار معنایی است. ویژگی معنایی واژه های مرکب آن است که اسم وابسته در اصل به مرجع خاصی اشاره نمی کند و ارجاعی<sup>۲۶</sup> نیست بلکه عام<sup>۲۷</sup> است. مثلاً در واژه مرکب «Piano – tuner» واژه «Piano» به پیانوی خاصی اشاره نمی کند. اما در گروه نحوی ، اسم های وابسته ، اصولاً ارجاعی است ( هسپل مت ، ۲۰۱۰ : ۱۹۰-۱۹۱ ). برای نمونه در زبان فارسی در واژه مرکب « شب رنگ » ، واژه « رنگ » به رنگ خاصی دلالت نمی کند و به صورت عام از این واژه استفاده شده است . از دیگر ملاک های معنایی تمیز گروه نحوی از واژه مرکب به هسته معنایی مرتبط می شود ، بدین صورت که هسته معنایی در گروه های نحوی می تواند با یک ضمیر ارجاعی جایگزین شود، در صورتی که هسته معنایی واژه های مرکب را نمی توان با ضمیر ارجاعی جایگزین کرد . برای نمونه در زبان انگلیسی عبارت زیر ، به دلیل جایگزینی ضمیر ارجاعی به جای هسته معنایی واژه مرکب عبارتی نادرستی است (همان : ۱۹۴).

A ) the king and the king maker

مثال

B ) the king and the him maker

از سوی دیگر، معنای گروه نحوی ترکیب پذیر است و به سادگی می توان با کنار هم گذاشتن معنای تک تک واژه ها ، به معنای گروه دست یافت. در حالیکه معنای برخی و یا بهتر می توان گفت اکثر واژه های مرکب ، ترکیب پذیر نیست ( کاتامبا ، ۱۹۹۳ : ۲۹۶ ؛ متیوز ، ۱۹۹۱ : ۹۵ ). مثلاً واژه مرکب « تنگ چشم » که به معنای بخیل است از معانی اجزای آن بدست نمی آید. در صورتی که معنای گروه نحوی « فصل زیبا » به سادگی از کنار هم گذاشتن معنای « فصل » و « زیبا » قابل دریافت است. بائر ( ۱۹۸۳ )، واژه های مرکب را از نظر مقوله صوری<sup>۲۸</sup> یا واژگانی<sup>۲۹</sup> آنها به چهار گروه اصلی: واژه های مرکب اسمی<sup>۳۰</sup>، واژه های مرکب فعلی<sup>۳۱</sup>، واژه های مرکب صفتی<sup>۳۲</sup>، واژه های مرکب قیدی<sup>۳۳</sup> تقسیم کرده و سپس این چهار گروه را بر اساس مقوله دستوری اجزای سازنده آنها ( اسم، فعل، صفت، حرف اضافه، قید ) به زیر گروه هایی نیز طبقه بندی کرده است. (بائر، ۱۹۸۳: ۱۰۲-۱۱۱). فرایند ترکیب با کنار هم گذاشتن دو یا چند واژه بسیط<sup>۳۴</sup> یا تکواژ واژگانی<sup>۳۵</sup> ( آزاد یا وابسته ) و تکواژ آزاد دستوری<sup>۳۶</sup> یا دو واژه غیر بسیط<sup>۳۷</sup> واژه جدید می سازد. از آنجا که سازه های کلمه مرکب ممکن است: بسیط، غیر بسیط،

24 -phonological cohesion

25 -expandability

26 -referential

27 -generic

28 -form class

29 -lexical class

30 -noun compound

31 -verb compound

32 -adjective compound

33 -adverb compound

34 -simple word

35 -lexical morpheme

36 -grammatical morpheme

37 -complex word

واژگانی، دستوری آزاد<sup>۳۸</sup> یا وابسته<sup>۳۹</sup> باشند. با استفاده از اصطلاح واژه، می‌توان گفت واژه مرکب از دو یا چند واژه ساخته شده و فرایند ترکیب، این ساز و کار را فراهم آورده است. با در نظر گرفتن تنوعی که در ساختار واژه‌های مرکب یافت می‌شود، می‌توان آنها را به انواعی تقسیم کرد، که این انواع، خود براساس معنا، شیوه ترکیب و مقوله اجزاء ساختاری نیز طبقه بندی می‌شوند ( شقاقی، ۱۳۸۷: ۹۳).

### ۳- مروری بر مطالعات پیشین

مصطفی عاصی ( ۱۳۷۱ ) از ملاکهای صوری، معنایی و نحوی، برای تمایز میان موارد مشابه استفاده کرده و ترکیبات را براساس الگوهای ساختمانی مشابه دسته‌بندی کرده‌است ( ص ۳۱۱ ). وی با مطالعه آثار نظامی معتقد است که نظامی در مقایسه با بسیاری از بزرگان ادب فارسی، از ساختهای ترکیبی بیشتری بهره می‌برده است ( همان: ۳۰۴ ). از نظر عاصی ( ۱۳۷۱ ) هر صورت زبانی که متشکل از یک تکواژ باشد ( از جمله همه صورتهای اشتقاقی<sup>۴۰</sup> ) ترکیب نامیده می‌شود ( همان: ۳۰۶ ). وی، معیارهای بازشناسی ترکیبات را در چهار گروه دسته‌بندی کرده است: ۱- معیار ساختاری<sup>۴۱</sup> ۲- معیار نحوی<sup>۴۲</sup> ۳- معیار واژگانی<sup>۴۳</sup> ۴- معیار کاربردی<sup>۴۴</sup> ( همان : ۳۰۸ ). بسیاری از مجموعه‌های مرکب، از الگوهای متداول زبان فارسی پیروی می‌کنند و برخی از ترکیبات که در عصر نظامی، نوآوری به شمار می‌آمده‌اند، اکنون، کاربرد عام یافته‌اند و تثبیت شده‌اند (همان : ۳۱۱ ). در آثار نظامی ساختهای ترکیبی، که در آنها حداقل یک بن فعل وجود دارد، دارای بیشترین بسامد می‌باشند. و اکثر ساختهای اشتقاقی بر پایه بن فعل ترکیبی شکل می‌گیرند ( همان: ۳۰۱، ۳۰۲ ).

سلیم نیساری ( ۱۳۷۲ ) با مروری بر واژه‌های مرکب موجود در خمسه نظامی ادعا می‌کند که ترکیب واژه‌ها، متکی بر موازینی از دید دستور زبان فارسی است. وی این موازین را این گونه شرح داده و بر شمرده: ۱- ترکیب موصوف و صفت با حذف نشانه اضافه. مانند: پریشان دل. ۲- پس و پیش ساختن ترتیب اسم و صفت و حذف نشانه اضافه. مانند: چرب گفتار. ۳- پس و پیش ساختن ترتیب مضاف و مضاف‌الیه و حذف نشانه اضافه. مانند: ره توشه. ۴- پس و پیش ساختن ترتیب اضافه تشبیهی با حذف ادات تشبیه. مثل: سحر سخن. ۵- افزودن ریشه فعل امر در مفهوم فاعلی به اسم یا صفت، مانند: شورا شوب. ۶- افزودن ریشه ماضی به اسم یا صفت در مفهوم مفعولی. مانند: جگر آلود. ۷- ترکیب دو صفت، با حذف « واو » رابط. مانند: تند تیز. ۸- افزودن پیشوند، میانوند، پسوند. مانند: در آسودن، دوشادوش<sup>۴۵</sup>، آتشگه.

اسحاق طغیانی ( ۱۳۸۸ ) با در نظر گرفتن دو محور جانیشینی<sup>۴۶</sup> ( گزینشی ) و هم نشینی<sup>۴۷</sup> ( ترکیب ) یعنی ترتیب در گزینش واژگان و واژه‌سازی و سپس ترکیب این عناصر در محور هم‌نشینی، به بررسی صورت (روساخت ) شعری، خسرو و شیرین نظامی پرداخته است ( طغیانی ، ۱۳۸۸ : ۱۱۸-۱۱۷ ). آنگونه که طغیانی (۱۳۸۸) اظهار می‌دارد، تلفیق واژگان مشخصا امری است که در محور ترکیب یا هم‌نشینی، خود را نشان می‌دهد و منظور از تلفیق، کنار هم قرار دادن عناصر ناهمگون می‌باشد ( همان: ۱۱۹ ). به باور وی، نظامی هنوز از تلفیق واژگان در محور هم‌نشینی به صورت ویژه‌ای بهره‌مند است. طغیانی (۱۳۸۸) در این پژوهش که عمدتا به بررسی امکانات صوری شعر نظامی در محور افقی و امکانات ساختاری شعر در محور عمودی پرداخته، به این پیامد مهم رسیده است که معمولا ارزش صوری کار نظامی در قدرت ترکیب سازی وی می‌باشد و به

<sup>38</sup> -free morpheme

<sup>39</sup> -bound morpheme

<sup>40</sup> -derivational form

<sup>41</sup> -structural criterion

<sup>42</sup> -syntactical criterion

<sup>43</sup> -lexical criterion

<sup>44</sup> -pragmatically criterion

<sup>۴۵</sup> -نگارندگان معتقدند در زبان فارسی میانوند نداریم و "ا" در واژه "دوشادوش" بیناوند می‌باشد. -

<sup>46</sup> -paradigmatic axis

<sup>47</sup> -syntagmatic axis

نقل از شفیع کدکنی (۱۳۸۰) به این نکته اشاره کرده‌است که سی درصد از ترکیبات شعر نظامی از خود او شروع شده‌است (همان: ۱۱۶-۱۰۸).

در زبان انگلیسی از ترکیب مقوله‌های واژگانی گوناگون (اسم، صفت، فعل)، انواع گوناگون واژه‌های مرکب با الگوهای ساختی متفاوت بدست می‌آید (هسپل مت<sup>۴۸</sup>، ۲۰۱۰: ۱۳۷). زایایی قوانین و الگوهای ترکیب نیز به نظر هسپل مت در زبان انگلیسی متفاوت است. به باور او، الگوی «اسم + اسم» زایاترین الگوی ترکیب در این زبان به شمار می‌رود. در مقایسه الگوی «اسم + فعل» از زایایی بسیار کمتری برخوردار است و الگوی ساختوازی ترکیب «فعل + اسم» را می‌توان غیر زایا در نظر گرفت. البته به اعتقاد او، برخی زبان‌ها، بخصوص زبانهایی که از ساختوازه قوی برخوردارند یعنی زبانهای ترکیبی، مفعول صریح هم با فعل، واژه مرکب می‌سازد. این فرایند را انضمام اسم<sup>۴۹</sup> می‌نامند (همان: ۱۳۸).

به اعتقاد شاه<sup>۵۰</sup> (۲۰۰۴) همه واژه‌ها در زبان انگلیسی دارای تکیه واژگانی هستند. واژه‌های مرکب نیز از این قاعده مستثنی نیستند. راشل جی شاه (۲۰۰۴) معتقد است که کلمات مرکب، واحدهای غیر بسیط ساختوازی هستند که از کنار هم قرار گرفتن دو یا چند واژه به وجود می‌آیند (ص ۴). او در این مقاله یادآور می‌شود که یکی از شیوه‌های رایج طبقه‌بندی ترکیب‌ها به خصوص ترکیب‌های «اسم + اسم»، براساس روابط معنایی بین دو سازه ترکیب (دو اسم) است. مثلاً رابطه «هدف»، «ظاهر»، «مکان»، «مقصد»، «صورت» و... به عبارتی به اعتقاد شاه (۲۰۰۴) رابطه بین سازه‌های ترکیب، مهم و طبق قانون خاصی است (همان: ۱۰). همچنین آنطور که شاه (2004: 14) از بویج<sup>۵۱</sup> (۲۰۰۲) نقل می‌کند؛ ماهیت دقیق روابط معنایی بین دو سازه ترکیب، قانون خاصی ندارد و به توصیف کاربر زبان بستگی دارد و براساس معنای سازه‌های ترکیب، دانش کاربران زبان از جهان اطراف و یا متنی که ترکیب در آن حضور دارد، می‌تواند، متفاوت باشد.

#### ۴- روش کار

از آنجا که، هر پژوهش می‌بایست، براساس روش و شیوه‌ای خاص، علمی و دقیق انجام پذیرد یعنی طوری که مورد پذیرش صاحب‌نظران حوزه مورد تحقیق قرار بگیرد؛ لذا توضیح روش تحقیق، امری است که در راستای هر پژوهش باید به آن پرداخته شود. این تحقیق نوعی تحقیق توصیفی - تحلیلی است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز برای پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای است. کتب تألیف شده توسط زبان‌شناسان ایرانی و غیر ایرانی، بویژه متخصصان حوزه ساختوازه و همچنین مقالات و پایان‌نامه‌های مقاطع ارشد و دکتری در زمینه ساختوازه به طور کلی و به ویژه ترکیب، مورد مطالعه قرار گرفته است و از آنجا که اساس کار بر پایه داده‌های استخراج شده از پیکره است، لذا داده‌ها از پیکره زبانی مورد استفاده، یعنی خسرو و شیرین نظامی، جمع‌آوری و استخراج گردیده است و مقوله دستوری اجزاء سازنده واژه‌های مرکب براساس «فرهنگ معاصر فارسی امروز» تألیف صدری افشار تعیین شده است. جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز از فیش‌برداری، جداول استفاده شده است. به دلیل توصیفی - تحلیلی بودن نوع تحقیق حاضر، تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها، به شیوه‌ای نظریه محور و بر پایه استدلال - ها و تحلیل‌های عقلانی است. به عبارتی داده‌های گردآوری شده از خسرو و شیرین نظامی در چارچوب نظری مورد بحث یعنی بائر (۱۹۸۳) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که نگارندگان پس از مطالعه دقیق و مکرر و بیت به بیت اشعار خسرو و شیرین نظامی با دقت و توجه بسیار واژه‌های مرکب آن را براساس ملاک‌های مذکور در تشخیص این واژه‌ها استخراج کرده، سپس مقوله دستوری اجزاء سازنده آنها را براساس «فرهنگ معاصر فارسی امروز» تألیف «صدری افشار» تعیین کرده، آنگاه به دسته‌بندی این واژه‌ها و داده‌ها طبق الگوهای منطبق با تقسیم‌بندی بائر پرداخته‌اند. البته لازم به توضیح است که در واژه-

<sup>49</sup> -noun incorporation

<sup>50</sup> -Schah.R.G

<sup>51</sup> -Booije.G

های مرکب فعلی، تعیین مقوله‌ها با توجه به رابطه بین دو جزء ترکیب صورت گرفته است. بدین معنی که اگر صفتی مانند « باریک » در کنار ستاک فعلی « - بین » در واژه مرکب « باریک بین » مشاهده می‌شد، با توجه به آنکه این صفت چگونگی فعل را نشان می‌دهد، دیگر مقوله آن را صفت تلقی نکرده و قید در نظر گرفته‌ایم. از اینرو گاهی مشاهده می‌شود که مثلاً واژه « باریک » در ترکیب « باریک میان » به عنوان صفت و در ترکیب « باریک بین » قید تلقی شده است. در ادامه در مرحله تحلیل داده‌های گرد آوری و تجزیه شده با توجه به چارچوب نظری پژوهش و نظریات مستدل و مطرح و با استفاده از نمودارها و جداول، به توصیف، تحلیل، شمارش و تعیین بسامد و درصد هریک از الگوهای ترکیب مورد بحث در تقسیم بندی داده های پیکره زبانی پرداخته‌اند. پس از آن با لحاظ کردن بالاترین و پایین ترین بسامد مربوط به انواع الگوهای ساختوازی ترکیب، اقدام به استدلال، تحلیل و نتیجه گیری کرده‌اند.

##### ۵- یافته ها و تجزیه و تحلیل داده ها

با استناد به داده‌های استخراج شده از خسرو و شیرین نظامی، و نیز لحاظ کردن الگوهای ترکیب ( مبنی بر مقوله دستوری اجزاءسازنده ) مشاهده می‌شود که تعداد ۸۹۴ واژه مرکب، در قالب ۱۹ الگو در پیکره زبانی پژوهش حضور یافته‌اند. واژه‌های مرکب مبنی بر ساختار صوری، شیوه ترکیب و همچنین معنا تقسیم‌بندی می‌شوند ( شقاقی ، ۱۳۸۷ : ۹۳ ). با در نظر گرفتن تنوعی که در ساختار واژه‌های مرکب یافت می‌شود، می‌توان آنها را به انواعی تقسیم کرد. رایج‌ترین نوع دسته بندی واژه‌های مرکب براساس مقوله دستوری اجزاء سازنده آنها در قالب الگوهای ترکیب است. انواع الگوهای ساختوازی ترکیب به همراه بسامد هر یک و نمونه هایی از واژه‌های مرکبی که طبق هر یک از این الگوها ساخته شده‌اند و در پیکره زبانی یافت شده‌اند در جدول زیر آمده است.

جدول (۱) انواع الگوهای ساختوازی ترکیب همراه بسامد و نمونه واژه‌های مرکب برای هر یک در خسرو و شیرین نظامی

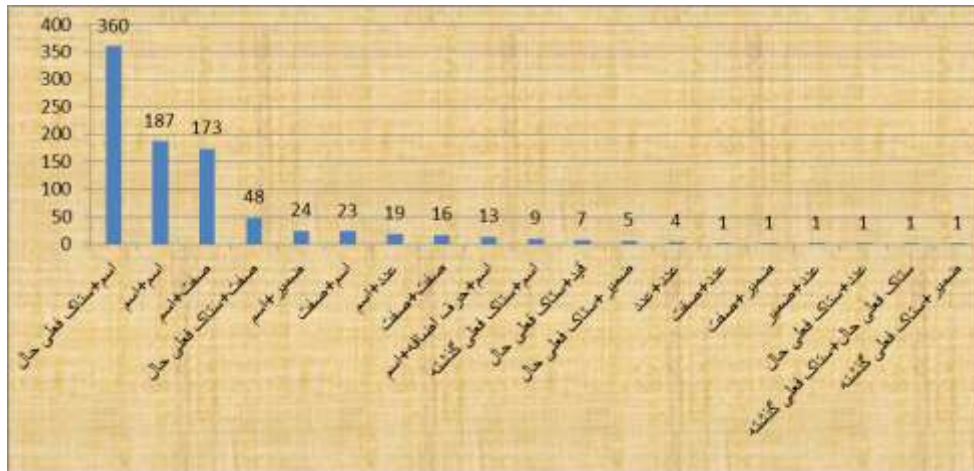
ردیف	الگوی ترکیب	بسامد	نمونه هایی از واژه های مرکب
۱	اسم + ستاک فعلی ( حال )	۳۶۰	نواسنج، مشک مال، گلوپیچ، حق شناس، عشق باز
۲	اسم + اسم	۱۸۷	سگدل، رخ گل، صاحبحال، آبرو، چشم درد، سربار
۳	صفت + اسم	۱۷۳	تندباد، تنگ خوی، نورنگ، نازک میان، پرنور
۴	صفت + ستاک فعلی ( حال )	۴۸	خوش خوان، پیشکش، شورانگیز، قرین سوز،
۵	ضمیر + اسم	۲۴	همراز، همسال، هم نقاب، هم حال، هم جنس
۶	اسم + صفت	۲۳	گلو تنگ، دلارام، شبکور، روسپید، شیرمست
۷	عدد + اسم	۱۹	یکسر، چارپا، دورنگ، یکدل، صدرنگ، ده رود
۸	صفت + صفت	۱۶	بدمست، کم کم، کهن لنگ، صبورآباد، گرم داغ
۹	اسم + حرف اضافه + اسم	۱۳	حلقه در گوش، شاخ در شاخ، روی بر روی

۱۰	اسم + ستاک فعلی ( گذشته )	۹	دستبرد، سرگذشت، زربفت، نمکسود، مردم زاد
۱۱	قید + ستاک فعلی ( حال )	۷	گستاخ گوی، پیشرو، بسیارخوار، باریک بین
۱۲	ضمیر + ستاک فعلی ( حال )	۵	خویشتن سوز، خودپرست، هم نشین، خودبین
۱۳	عدد + عدد	۴	یک یک، دوسه، صدصد، صد هزار
۱۴	عدد + صفت	۱	یکسوار
۱۵	ضمیر + صفت	۱	هم قرین
۱۶	عدد + ضمیر	۱	یکچند
۱۷	عدد + ستاک فعلی ( حال )	۱	شش انداز
۱۸	ستاک فعلی ( گذشته ) + ستاک فعلی ( حال )	۱	جستجوی
۱۹	ضمیر + ستاک فعلی ( گذشته )	۱	همزاد

با در نظر گرفتن بسامد هر یک از الگوهای ساختواژی ترکیب یافت شده از خسرو و شیرین نظامی همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، در بین ۸۹۴ واژه مرکب این پیکره، بالاترین بسامد متعلق به الگوی « اسم + ستاک فعلی ( حال ) » است. و پس از آن به ترتیب الگوهای « اسم + اسم »، « صفت + اسم »، « صفت + ستاک فعلی ( حال ) » و « ضمیر + اسم » جایگاه دوم تا پنجم را به خود اختصاص داده اند. کمترین میزان بسامد نیز متعلق به الگوهای « ضمیر + ستاک فعلی ( گذشته ) »، « ستاک فعلی ( گذشته ) + ستاک فعلی ( حال ) »، « ضمیر + صفت »، « عدد + ضمیر »، « عدد + ستاک فعلی ( حال ) » و « عدد + صفت » است که تنها یک مورد منطبق با هریک از این شش الگو ( به ترتیب در « همزاد »، « جستجوی »، « هم قرین »، « یکچند » و « شش انداز » و « یکسوار » ) در پیکره زبانی مذکور یافت شده است و الگوهای « عدد + عدد »، « ضمیر + ستاک فعلی حال »، « قید + ستاک فعلی ( حال ) »، « اسم + ستاک فعلی ( گذشته ) » و « اسم + حرف اضافه + اسم » به ترتیب از جمله الگوهای کم بسامد این پیکره زبانی می باشند. با استناد به داده های گرد آوری شده از خسرو و شیرین نظامی، الگوهای ترکیب در واژه های مرکب، نسبت به زبان انگلیسی و مشخصاً الگوهای مورد نظر بائر دارای گستردگی و انواع بیشتری هستند. همانگونه که در جدول فوق مشاهده می شود، در پیکره زبانی مورد بحث این پژوهش الگوهای ترکیب « ضمیر + ستاک فعلی ( حال ) »، « عدد + عدد »، « عدد + اسم »، « عدد + صفت »، « عدد + ستاک فعلی ( حال ) »، « عدد + ضمیر »، « ضمیر + صفت »، « ضمیر + اسم »، « ضمیر + ستاک فعلی ( گذشته ) » دیده می شوند که به لحاظ ساختار در انواع الگوهای ترکیب از نظر بائر ( ۱۹۸۳ ) ذکر نشده بودند. از این رو به نظر میرسد که این تفاوت در الگوهای ترکیب از تفاوت ساختاری دو زبان فارسی و انگلیسی ناشی می شود. بنابراین نگارندگان در پژوهش حاضر، این نه نوع الگوی اخیر را نیز علاوه بر الگوهای ترکیب مورد نظر بائر، در نظر گرفته اند. برای مثال واژه مرکب « خویشتن سوز » به عنوان نمونه ای مطابق الگوی « ضمیر + ستاک فعلی ( حال ) » بیان شده و یا واژه مرکب « دوسه » طبق الگوی ساختواژی « عدد + عدد » ترکیب شده است به همین منوال واژه های « دو رنگ »، « یکسوار » و « شش انداز » و « یکچند » و « هم قرین »، « هم آغوش »، « همزاد » ترتیب با الگوهای ترکیب « عدد + اسم »، « عدد + صفت »، « عدد + ستاک فعلی ( حال ) »، « عدد + ضمیر »،



ضمیر + صفت» و «ضمیر + اسم» و «ضمیر + ستاک فعلی (گذشته)» مطابقت می‌کنند. اغلب صرفیون در طبقه بندی براساس مقوله اجزاء ساختاری، به این نکته نیز اشاره می‌کنند که اگر یکی از اجزاء کلمه مرکب، فعل باشد، آنگاه واژه حاصل را مرکب ثانویه یا فعلی<sup>۵۲</sup> می‌نامند، مانند «فلزیاب» و چنانچه هیچ یک هیچ یک از این اجزاء فعل نباشد، آن را مرکب اولیه یا غیر فعلی<sup>۵۳</sup> می‌نامند، مانند «شب کلاه» (هسپل مت، ۲۰۱۰: ۱۴۵-۱۴۰؛ بائر، ۱۹۸۳: ۳۰؛ کاتامبا، ۱۹۹۳: ۳۲۱؛ شقاقی، ۱۳۸۷: ۹۳-۹۵). نظر به اینکه در واژه‌های مرکب گردآوری شده از خسرو و شیرین نظامی، در هر ترکیبی که مقوله دستوری یکی از دو سازه آن، فعل بوده (واژه مرکب فعلی)، سازه فعلی یا به صورت ستاک فعلی (حال) یا ستاک فعلی (گذشته) ظاهر شده است. از اینرو نگارندگان الگوی ترکیب «اسم + فعل»، «فعل + فعل»، «صفت / قید + فعل» که در تقسیم‌بندی‌های بائر (۱۹۸۳)، به صورت کلی در نظر گرفته شده بودند، در شکل الگوهای نزدیکتر با پیکره زبانی پژوهش، مورد بررسی و بحث قرار داده‌اند. به عبارت دقیق‌تر، الگوی «اسم + فعل» را در دو شکل «اسم + ستاک فعلی (حال)» «برای نمونه در واژه مرکب «فریاد خواه» و «اسم + ستاک فعلی (گذشته)» (مثلاً در واژه مرکب «سالخورد») آورده‌اند. همچنین الگوی «فعل + فعل» را به صورت «ستاک فعلی (گذشته) + ستاک فعلی (حال)» «تنها یک واژه مرکب «جستجوی» مطابق با این الگو یافت شد) و همچنین الگوی «صفت / قید + فعل» را در شکل «صفت + ستاک فعلی (حال)» «(برای مثال واژه مرکب «سبزپوش») و «قید + ستاک فعلی (حال)» «(مانند واژه مرکب «پیش بین») مورد بررسی قرار داده‌اند. به لحاظ مقایسه بهتر بسامد این الگوهای ترکیب با یکدیگر و برای توصیف و نمایش داده‌های جمع آوری شده، با استفاده از روش تصویری روشن‌تر در مقایسه با جدول و همچنین مشاهده توزیع فراوانی واژه‌های مرکب در خسرو و شیرین براساس مقوله دستوری اجزاء سازنده‌شان، نمودار ستونی نیز رسم شده است. در این نمودار محور عمودی دال بر بسامد نوع هر الگو و محور افقی نشانگر الگوهای ساختاری ترکیب می‌باشد.



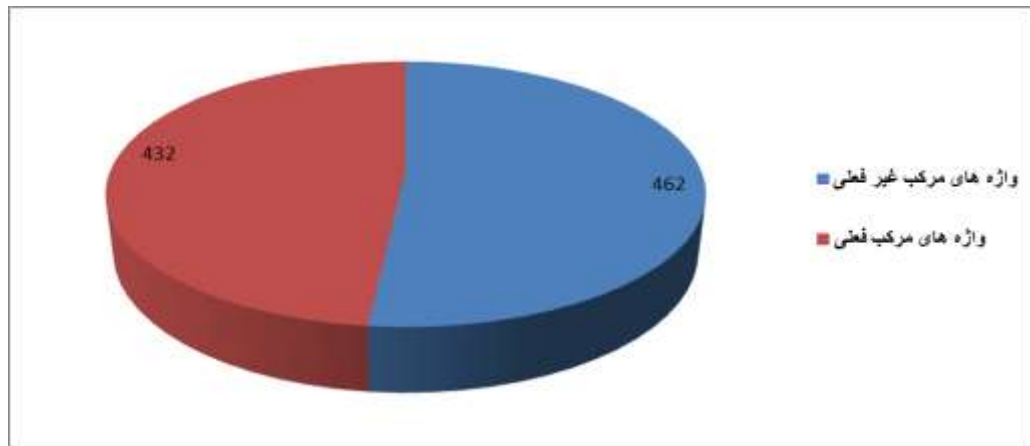
نمودار (۱) توزیع فراوانی انواع الگوهای ساختاری ترکیب همراه بسامد هر یک در خسرو و شیرین نظامی

همانگونه که در نمودار فوق مشاهده می‌شود، بالاترین درصد فراوانی بین الگوهای ترکیب مربوط به الگوی «اسم + ستاک فعلی (حال)» است که بیشترین بسامد نوع (۳۶۰ واژه - ۴۰/۲٪) را در بین الگوهای ساختاری ترکیب این پیکره به خود اختصاص داده است و همانطور که ستونهای نمودار که چینش الگوها، براساس بسامد آنها را نشان می‌دهند؛ کمترین بسامد (۱) و در صد (۰.۱۱٪) الگوهای ترکیب به طور یکسان متعلق به الگوهای «ضمیر + ستاک فعلی (گذشته)»، «ستاک فعلی (گذشته)» + ستاک فعلی (حال)»، «ضمیر + صفت»، «عدد + ضمیر» و «عدد + ستاک فعلی (حال)» و «عدد + صفت» است و جایگاهها و ستونهای مابین این دو حد نخستین و پایانی بسامدها به دیگر الگوهای ترکیب اختصاص دارند که در جدول مربوط

<sup>52</sup> -secondary/synthetic compound

<sup>53</sup> -primary/root compound

به انواع الگوها، ذکر شده اند. نکته قابل توجه این است که از بین تعداد کل واژه‌های مرکب پیکره زبانی حاضر تعداد ۴۳۲ (48%) واژه مرکب فعلی و ۴۶۲ (52%) واژه مرکب غیر فعلی می‌باشند و همانگونه که مشاهده می‌کنیم بسامد مجموع واژه‌های مرکب غیر فعلی نسبت به بسامد مجموع واژه‌های مرکب فعلی بالاتر است در حالیکه الگوی ترکیب «اسم + ستاک فعلی (حال)» که یکی از الگوها برای ساخت واژه مرکب فعلی است، با بسامد ۳۶۰، پُر بسامدترین الگوی ساختوازی پیکره محسوب می‌شود. بی‌شک این نکته قابل توجه ناشی از تنوع الگوهای ساختوازی ترکیب به کار گرفته شده توسط نظامی می‌باشد. به عبارت ساده‌تر، انواع الگوهای ترکیب جهت ساختن واژه‌های مرکب غیر فعلی در این پیکره به میزانی گسترده و بالا بوده است که مجموع این واژه‌ها حتی از پُر بسامدترین الگوی ترکیب پیکره نیز بیشتر است. این مطلب بیانگر وجود طیف متنوعی از الگوهای ترکیب در این پیکره است. نمودار (۲) زیر مقایسه میزان واژه‌های مرکب فعلی نسبت به واژه‌های مرکب غیر فعلی موجود در خسرو و شیرین نظامی را نشان می‌دهد.



نمودار (۲) مقایسه مجموع واژه های مرکب فعلی و غیر فعلی در خسرو و شیرین نظامی

اهل فن در مسائل زبان‌شناسی و دستور زبان به خوبی می‌دانند که از اهم مسائل مربوط به زبان، تقویت زبان از طریق واژه‌سازی است و دست کم بخشی از هنر هر شاعر و نویسنده، ساختن واژه‌های جدید و بدیع از سوی او است. در حقیقت شیوه کاربرد واژه‌ها توسط شعرا و به بیانی به کارگیری آنها در امر واژه‌سازی از اهمیت زیادی برخوردار است. بررسی داده‌های گردآوری شده از پیکره حاضر، حاکی از این مطلب است که نظامی در خسرو و شیرین، از یکی از مهمترین ابزارهای واژه‌سازی یعنی ترکیب، به خوبی و با بسامدی بالا استفاده کرده و بویژه ترکیب‌سازی‌های نو و بدیع وی مطابق با الگوهای ترکیب در زبان فارسی به بهترین صورت ممکن، جهت نیل به معانی و مفاهیم ملموس و قابل درک نزد مخاطب فارسی زبان می‌باشد. در پیکره زبانی این پژوهش تقریباً با تمامی الگوهای ممکن، واژه‌های مرکب ساخته شده، حال برخی از این الگوهای ترکیب را که نسبتاً از زایایی بیشتر برخوردار بوده‌اند یعنی الگوی «اسم + ستاک فعلی (حال)» و «اسم + اسم» به میزان و بسامد بالاتری در واژه‌سازی مورد استفاده قرار گرفته و بعضی دیگر مانند الگوی «ستاک فعلی (حال) + ستاک فعلی (گذشته)» و «ضمیر + ستاک فعلی (گذشته)» را نسبت به الگوهای پر بسامد، کمتر در ترکیب‌سازی به کار گرفته شده است. همانطور که امیر ارجمندی (۱۳۸۹) در رساله دکتری خود اشاره کرده است، زایایی ساختوازی بر روی پیوستار عمل می‌کند که فرایند ترکیب نیز از این مقوله مستثنی نیست. وی جهت اندازه‌گیری کمی زایایی الگوهای مختلف ترکیب، از چهار روش مطرح شده توسط باین (۱۹۹۴) استفاده کرده که عبارت است از: شمارش برون داده‌های فرایند ترکیب، به کمک کلمات ممکن<sup>۵۴</sup> شمارش کلمات تک بسامدی<sup>۵۵</sup> کلماتی که فقط یک بار در پیکره به کار رفته‌اند) و از طریق نو واژه‌ها<sup>۵۶</sup> (امیر ارجمندی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). البته

<sup>54</sup> -potential words

<sup>55</sup> -hapax legomena/hapaxes

<sup>56</sup> -neologism

طرح و بررسی تمامی این روش‌ها در حیطه مقاله حاضر نمی‌گنجد. لذا نگارندگان با استفاده از پیکره زبانی این پژوهش، یعنی اشعار خسرو و شیرین نظامی تنها توانستند با توجه به روش اول یعنی همان شمارش برون دادهای فرایند ترکیب، زایایی این فرایند را مشخص کنند. همانگونه که از بررسی داده‌های خسرو و شیرین نظامی برمی‌آید؛ فرایند ترکیب با بسامد بالایی در امر واژه‌سازی توسط شاعر مورد استفاده قرار گرفته‌است. این فرایند زایای ساختواژی، هم اکنون، هم می‌تواند در قالب الگوهای متناسب با شرایط فعلی زبان فارسی برای واژه‌سازی و بی‌نیازی از کاربرد واژه‌های بیگانه، مورد استفاده فارسی زبانان قرار گیرد. برای نمونه الگوی ترکیب « اسم + ستاک فعلی ( حال ) » که پُر بسامدترین الگوی ترکیب در خسرو و شیرین برآورد شده، در حال حاضر هم می‌تواند به صورت زایا و فعال مورد استفاده سخنگویان فارسی قرار گیرد و در واژه‌سازی‌های آگاهانه ( اغلب توسط فرهنگستان صورت می‌پذیرد) به عنوان الگویی بسیار زایا کاربرد پیدا کند. زیرا چنانچه در واژه‌های مرکب ساخته شده طبق این الگو مشاهده می‌کنیم، واژه‌هایی خوش‌آهنگ و به لحاظ معنایی، شفاف و به آسانی قابل درک و از نظر ساختی متناسب و هماهنگ با واژه‌های رایج فارسی امروزی هستند. مانند « بزم افروز »، « دانش آموز » « ادب پرور ». پس به نظر می‌رسد که می‌توان این الگوی ساختواژی ترکیب را که نظامی در نهایت ظرافت و دقت و شیوایی در اکثر واژه‌های مرکب اشعار خود به کار برده است، توسط واژه‌سازی آگاهانه دوباره در زبان فارسی احیاء کرد مانند واژه مرکب « پایدار » که به جای واژه قرضی « stable » ساخته شده‌است و در صورت رواج واژه‌های ساخته شده توسط این الگو و پذیرفته شدن آن از سوی جامعه زبانی ( به دلایل ذکر شده در بالا ) رفته رفته افراد جامعه زبانی به صورت آگاهانه یا خود به خود و ناآگاهانه، به طور پویا و زایا دست به ترکیب‌سازی براساس الگوی فوق می‌زنند و از به کارگیری و کاربرد افراطی و بی‌حد و حصر واژه‌های قرضی و بیگانه، به گونه‌ای که در حال حاضر در زبان فارسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تقریباً بی‌نیاز شد.

#### ۶- نتیجه‌گیری

نظر به بررسی‌های صورت گرفته روی پیکره زبانی پژوهش حاضرین یافته‌ها به دست آمد که فرایند ترکیب با بسامدی بالا و به صورت زایا، در خسرو و شیرین نظامی به کار رفته است و زایاترین و پُر بسامدترین الگوهای ساختواژی ترکیب و نیز کم بسامدترین این الگوها در ساخت واژه‌های مرکب پیکره (به ترتیبی که در جدول (۱) آورده شده است) مشخص گردید. بنابراین یافته‌ها می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که یکی از ویژگی‌های واژه‌سازی و بویژه ترکیب‌سازی های نظامی، به کارگیری قواعد دستوری زبان فارسی در واژه‌سازی است. به این معنی که بر خلاف برخی شاعران هم دوره خود مانند خاقانی شروانی، که نسبتاً با قواعد و واژه‌های عربی دست به واژه‌سازی می‌زدند ( مریدی ، ۱۳۷۰: ۴۲۹)، او ساخته‌های پویا و فعال زبان، مانند الگوی ترکیب « اسم + ستاک فعلی ( حال ) » یا الگوی « اسم + اسم » را برای ساخت واژه‌های مرکب با بسامد بالا به کار می‌برده است، مانند « آهو گیر »، « ستاره چشم » و « دُر افشان » و نیز به کارگیری ترکیب های نو و بدیع که تا آن زمان ساخته نشده بودند

(شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸؛ به نقل از طغیانی ، ۱۳۸۸؛ ۱۱۴) مانند: « سگ صفت ». البته به نظر می‌رسد این نتایج و یافته‌ها ناشی از سبک نظامی باشد که بررسی این موضوع نیاز به پژوهش‌های گسترده تر در تمامی آثار این شاعر دارد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج عاصی (۱۳۷۱) و نیساری (۱۳۷۲) هم راستا بود. همچنین در صورتی که پژوهشهایی بر ادب فارسی و آثار منظوم و منثور این زبان به صورت منظم و گسترده بوده و از دقت‌های لازم برخوردار باشد و آثار مهم دوران‌های مختلف زبان فارسی را نیز دربرگیرد، می‌توان مسیر تحولات زبانی از جمله روند واژه‌سازی و گرایشهای گوناگون آن را پیگیری کرد. از این رهگذر می‌توان ساز و کارهای واژه‌سازی را در زبان فارسی شناخت و ارزیابی نمود و دلایل پویایی و گسترش برخی و توقف و کنار ماندن برخی دیگر را در فارسی امروز یافت..

## منابع

۱. امیر ارجمندی، نازنین. (۱۳۸۹). زبانی در فرایند ترکیب زبان فارسی، رساله دکتری، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.
۲. حق شناس، علی محمد. (۱۳۷۶). زبان، تهران: انتشارات سروش.
۳. سمیعی، احمد. (۱۳۸۰). ترکیب و اشتقاق دو ابزار واژه سازی، مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴. شقاقی، ویدا. (۱۳۸۷). مبانی صرف، چاپ دوم، پاییز: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۵. صدوری افشار، غلامحسین و دیگران، (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر فارسی، ویراست چهارم، مرکز نشر دانشگاهی.
۶. طغیانی، اسحاق. (۱۳۸۸). صورت و ساخت شعری خسرو و شیرین نظامی، فصلنامه پژوهشهای ادبی، سال ۶، تابستان، شماره ۲۴. ۱۰۷-۱۲۵.
۷. عاصی، مصطفی. (۱۳۷۱). نقش ترکیب در گسترش واژگان زبان فارسی با نگرش بر آثار نظامی گنجوی، مو سسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، شماره ۱۰، پاییز، ۳۱۶-۲۹۷.
۸. مریدی، محمدجعفر. (۱۳۷۰). کلمات مرکب در قصاید خاقانی شروانی بر مبنای زبان‌شناسی جدید، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
۹. نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۰). خسرو و شیرین نظامی گنجه‌ای، تصحیح حسن وحید دستگردی، چاپ دوازدهم، پاییز: نشر قطره.
۱۰. نیساری، سلیم. (۱۳۷۲). نو آوری در ترکیبات واژگان فارسی درخمس نظامی گنجوی؛ مجموعه مقالات کنگره بین المللی بزرگداشت نهمین سده تولد نظامی گنجوی، جلد سوم.
۱۱. نیساری، سلیم. (۱۳۷۲). دستور خط فارسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
12. Aronoff, Mark, Fudeman Kirsten. (2010). What is Morphology, Blackwell Publishing LTD, 2nd edition
13. Bauer, Laurie. (1983). English word – Formation, Cambridge University Press.
14. Haspelmath, Martin, D.Sims, Andrea. (2010). understanding Morphology, Hodder Education, 2nd edition.
15. Jensen, John. T.( 1990 ). Morphology : word structure in generative grammar, John benyamins publishing.
16. Katamba, Francis. (1993). Morphology, Macmillan Press LTD.
17. Kavčič, Andrej. ( 2004).” Compounding “, Grammar Seminar paper, University of Ljvbljana, 1-18.
18. www.englitika. info / podatlci / razno / compnding . Pdf.
19. Matthews, P.H. (1991). Morphology, Cambridge press.
20. Schuh, Russell. G. (2004).” Semantic Relations and Stress In English Compounds”, Linguistics 105 Sample paper, Arnold. Co, 1-10.